

بیست و چهارم حوت سال پنجاه و هفت حماسه شهادت در هرات

نویسنده: مصباح هراتی
از سایت خاوران

بیست و نهمین سال روز فاجعه قتل عام مردم هرات را، توسط کمونیست های خلقی و پرچمی در روز "بیست و چهارم حوت" سال پنجاه و هفت، برای ملت آزاده و سربلند و مجاهد افغانستان و تمامی آزادی خواهان، تسلیت گفته، بروان تابناک تمامی شهدای مظلوم و گمنام کشور درود می فرستیم. بیست و نه سال قبل با روی کار آمدن دو حزب کمونیستی خلق و پرچم، خانواده جمهوری سلطنتی محمد زائی ها، از اریکه قدرت فرو غلطید. رجال سیاسی آنها توسط سران خلقی و پرچمی، بکام مرگ و نابودی رفته، از زندگی فرو افتادند.

داود خان و خانواده او که باثر اشتباه های سیاسی خویش برای احزاب کمونیستی فرصت تلاش های سیاسی را فراهم نموده بود؛ اولین قربانی های بود که در تعقیب آن، تعداد کشته های مردم افغانستان توسط کمونیست ها از مرز یک میلیون نفر گذشت. کمونیست ها در ابتدای امر، با سر دادن شعار های خلقی و کارگری دست بتقسیم اراضی مردم و توهین زمین داران زدند. و هکتار های از زمین های صاحبان زمین را میان افراد برزگر و کشتمند بی زمین کشور، بدون رضایت مالکان زمین ها و همچنین با عدم خوشنودی زراعت کاران برزگر، توزیع نمودند. اقدام به توهین زنان، دهقانان، زمین داران و سرمایه داران، کردند. برای دختران که باید بخانه شوهر می رفتند مبلغ پنصد روپیه افغانی مهر تعیین کرده، و همچنان برای سواد اجباری زنان و پیر مردان هفتاد ساله را راهی کلاس های سواد اجباری کردند، و علیه ارزشهای دین و فرهنگ بومی مردم شعارهای ضد دینی سر می دادند. از روزنامه های کشور مظاهر دینی و فرهنگ ملی و بومی مردم را حذف نمودند. برخی عناوین مجلات و روز نامه های کشور را که نشانه های دینی داشت محو نمودند. در برخی از روز نامه ها وجود و قدرت خدا را مورد استهزاء قرار دادند. و عقاید دینی و ویژه گی های ملی مردم را بباد انتقاد گرفتند.

از جانب دیگر دست گیری های وسیع علماء دینی، صاحب رسوخان ملی، دانشجویان، معلم ها، دانش آموزان، تجار، و ملا امامان مساجد، محصلین دانش گاه ها را به بهانه های ضد ملی و مخالفت با رژیم کمونیستی و خلقی روانه زندان ها ساختند. سخن رسمی و غیر رسمی آنها این بود که از تمامی مردم افغانستان برای ما فقد شماری از اعضاء حزب دموکراتیک خلق کافی می باشد. کمونیست ها در دشمنی با مردم سران آنها را در دل سیاه شب ها شناسائی نموده، آنها را در دشت ها و دمن های نزدیک شهر و در قبر های دسته جمعی مدفون ساختند. و اکنون متأسفانه بعد از حدود سی سال استخوان های تیر خورده آنها با راهنمایی قاتلان آنها ویا برخی مردم محل کشف می گردد. گوشدن این قبر ها متأسفانه داغ های دل باز ماندگان مردم مظلوم این خطه خونین را، تازه تر می نماید.

نویسندگان و تاریخ پژوهان و برخی حوادث نگاران خارجی، تعداد کشته های سالهای پنجاه و هفت تا هفتاد و یک را بیش از یک میلیون نفر تخمین می زنند. این فاجعه تلخ و ظالمانه که با پشتیبانی ارتش سرخ روس تزاری انجام گردید. بیش از دو میلیون معلول و زخمی و بی دست و پا بجای گذاشته است. بدون شک و بی مبالغه حدود ده میلیون از مردم میهن در کشور های ایران و پاکستان و دیگر ممالک جهان سر بصرها ها و اقصی نقاط دور و نزدیک جهان گذاشتند. و صد ها هزار انسان با کوله باری از رنج و محنت در تمامی اراضی کشور سر گردان، و هستی آنها روی دوش آنها گذاشته در بی خانگی بسر می برند. و ده ها سال است که آنها بار رنج و محنت را بدوش می کشند.

در این جنگ چهارده ساله تمامی بنا های اقتصادی و مالی وزیر بناهای زراعتی و کانال های آبیاری کشور بدشت های برهوتی از خشکی و ویرانی تبدیل گردیدند، و معلوم نیست تا چه زمانی باید مردم افغانستان بتوانند این کشور ویرانه را بحال اولیه آن در آورند. مراکز آموزشی، تعلیمی، تجارت، و دیگر پیش رفت های صنعتی و فنی، باثر این رخداد تلخ و ناگوار رو بویرانی و نابودی گذاشته است، و در طول سی سال، جای آن را استعمال اسلحه و آتش و خون و جنگ و کشتار مردم بی گناه پر نمود. اما چنین وضعیتی برای مردم افغانستان بیش از چند ماهی قابل تحمل نبود و سر انجام صبر مردم پایان گرفت و بی حوصلگی آنها عمومیت یافت. دامنه قیام ها و قربانی ها به وسعت جغرافیای کشور توسعه یافت. مردم و فرقه های عسکری در همه جای مملکت آمادگی می گرفتند. و به پشتیبانی ملت بی دفاع خویش می شتافتند.

اولین قیام در اول حوت / 1357 / توسط سر داران و سپاهیان و صاحب منصبان مسلمان در فرقه عسکری جلال آباد آغاز گردید. آنها جمع فراوانی از گماشته گان روس را بجهنم فرستادند؛ بلاخره همه شان جام های شهادت را سر کشیدند. در کمتر از یک هفته، بعد از قیام جلال آباد، مردم سلحشور "دره صوف" و "بغلان" پرچم عزت و سرافرازی جهاد را بر افراشتند و جمع کثیری از کمونیست ها را به آتش کشیدند. و با دست های خالی اما با مشت های گره کرده و آهنین و سلاح های ابتدائی خوف و وحشت را در دل کمونیست ها و سردمداران کرملین آنها ایجاد کردند.

کمونیست ها برای اینکه درندگی خویش را ب مردم نشان دهند؛ از کشتن پیر و جوان و حتی دریدن شکم مادران و پاره نمودن سینه های اطفال خورد سال در برخی موارد هر گز دریغ ننمودند. تانک های روسی را بر روی جماعت مردم همی راندند و قتل های عام انسانی را در تاریخ کشور ثبت رساندند. دامنه قیام های مردمی در روزهای 21 / او / 22 / حوت / 1357 / ولایت ارزگان را نیز فرا گرفت. و کلمه جهاد که از صد ها سال قبل در افغانستان و جهان اسلام بفراموشی سپرده شده بود و یا در لابلای کتاب های فقهی باقی مانده و حتی در مدرسه ها و حوزات علمی آن را قابل تدریس نمی دانستند قیام مردم افغانستان، این بار آنها را بیاد عزت های جهاد فرا خواند و آنها بپیروی از علماء و بزرگان دینی و مشایخ و رهبران اجتماعی خویش، خود را مسلح به چوب و سنگ و تیشه و تبر نمودند و بر پایگاه های خلقی و پرچمی و سران کمونیست حمله ور گردیدند. رنگ سرخ که تنها شعار کمونیست ها بود و باجبار توسط مردم در تابلو ها و دروازه های دوکان ها استعمال گردیده بود، توسط مردم سنگ باران و سیاه گردید. در راستای دیگر حرکت ها، بزرگترین قیامی که شاید در تاریخ افغانستان بی سابقه است در 24 / حوت / 1357 / در هرات تحقق یافت.

بن قیام بفتوای علماء دینی مردم هرات در روز "جمعه" بعد از نماز های جمعه بگوش و اطلاع مردم رسید. سر انجام با طلوع سپیده دم صبح / 24 حوت / 1357 / صدای تکبیر "الله اکبر" و غریو جهاد شهر را به تعطیلی کشاند. مردم از چهار دروازه شهر، "دروازه قندهار" "دروازه خوش" "دروازه عراق" و "دروازه ملک" همانند طوفان هولناکی بشهر ریختند و تمامی بازار های آن را در نور دیدند و آن را بتصرف کامل خویش در آوردند. پس از تسخیر شهر صدای "الله اکبر" اطراف و نواحی هرات را پر نمود، و سر تا سر ولایت هرات در مدت چهل و هشت ساعت از وجود کمونیست ها پاک گردید. بسیاری از کمونیست ها کشته و یا مخفی گردیدند. و اجساد فراوانی از لش های جسیم و فربه روسها در دل سرک ها و خیابان ها افتاده بود، و مردم را بتماشای خویش فرا می خواند! "کمونیست ها در بام های خانه ها و در مناره های مساجد بلا رفته و سنگر گرفته، سینه های مردم را نشانه رفتند و تا سه روز پی در پی بطرف مردم در صفهای ناتوانی و در مسیر راه ها، تیر اندازی هدفمند صورت می گرفت. و هزار ها انسان بی گناه را که بعد از سه روز برای خرید نان بیرون شده بودند هدف قرار دادند، آنها که برای خرید نان بیزار آمده بودند، دیگر بخانه های خویش هر گز بر نگشتند. این قیام که در برابر کفر و الحاد انجام گردید، ایمان و شجاعت و مسلمانی را از مردم هرات بنمایش می گذاشت. و مشت ها بر تانک ها و تفنگ ها غلبه می یافت.

مردم قهرمان و پرخاشگر هرات از جانب فرزندان وطن و صاحب منصبان مسلمان فرقه عسکری شهر هرات "زلمی کوت" پشتیبانی گردیدند و همه با هم حماسه آفریدند. آنها پیوند خود را عملاً با مردم اعلام نمودند. و تمامی کمونیست ها را در داخل فرقه بقتل رساندند. بدین گونه شهر در دست قدرت مردمی نفس راحتی کشید. اما بعد از سه روز، به تقاضای ترکی از اربابان روسش، قوای نظامی، تانک ها، و طیاره ها از مسکو، کابل، و قندهار بطرف هرات گسیل گردیدند. در حالیکه مردم جنازه های خود را دفن می کردند آنها را در حین اجرای مراسم شهداء بمباران کرده، و قتل عام ساختند. کمونیست ها بعد از تسلط بر اوضاع همانند گرگ های گرسنه بجان مردم افتادند، مردم را از بازار و کوچه، از مساجد و مجالس، و در نیمه های شب از خانه های شان بیرون کشیده و در دامنه تپه های خاکی دشت "سید عبدالله مختار" و دشت های "کازرگاه شریف" و نیز در اطراف فرقه "زلمی کوت" هرات، بشکل دسته جمعی و بصورت زنده دفن نمودند. خلقی پرچمی ها و اربابان روسی شان در این مدت تعداد بیست و پنج هزار انسان بی گناه را کشته و بخاک و خون کشیدند. اکنون که بعد از سی سال برخی از کشتار گاه های جمعی آنها دهن می گشاید؛ علاماتی از کشتار زنان و کودکان و پیر مردان در بین زنده بگور ها دیده می شود. این علامات عبارت اند: از لباس های بچه گانه و لباسها و کفش های زنانه موی ها و گیسوان مظلومانه زنان که در بین لباس های مردانه زنده بگور هابنمایش گذاشته شده است. بدون شک، بیست و چهارم حوت خونین / 1357 / هرات، مهر جنابیتی است در پیشانی فرزندان کمونیست خلق و پرچم، و نیز سند رسوائی جهانی است برای کشوری مانند روسیه تجاوز گر که تاریخ هر گز آن را، از یاد نخواهد برد.

اگر حوادث سه دهه کشور را درست بررسی بگیریم خواهیم دید؛ تمامی جنایاتی که در دوره های پس از دولت های کمونیستی بوجود آمده است؛ عامل اساسی آن ها وجود همین کمونیست ها بوده است. آنها بوده اند که در حکومت مجاهدین نفوذ کردند و سبب نزاع ها و جنگ های داخلی گردیدند. و نیز کمونیست ها بودند که: در حکومت طالبان با ماسک های ملائی اختلافات قومی را دامن زدند. و اکنون نیز در پهلوی غوغاهای دموکراسی، آنها هستند که موجب از هم پاشیدگی هر نوع استقرار و بهبودی اوضاع سیاسی کشور می باشند. و در واقع اساس فرو پاشی نظام های سیاسی کشور در گذشته و امروز از کودتای هفتم ثور / 1357 / سر چشمه می گیرد و تمامی ویرانی ها و قتل ها و مهاجرت ها و نزاع های داخلی کشور بر می گردد به مداخله ارتش روسی در کشور و عوامل وابسته آنان که موجب تمامی مصائب و دردهای ملی و فرهنگی و سیاسی مردم گردیده اند. هر چند که جنایات های انجام شده در کشور بابتکار آنها بود اما دیگران نیز در قتل عام و فاجعه انسانی و کشتار های عمومی دست کمی از پیروان روسی نداشتند. بدون شک در پیشگاه خداوند و ملت مظلوم افغانستان هیچ فرقی ندارد که این قتل ها و ستم ها از جانب چه کسی صورت گرفته باشد. بدون تردید در آلامی که برای مردم افغانستان در طول سه دهه اخیر بوجود آمده است، برخی رهبران مجاهدین، قوماندانان، طالبان، و دعوت کنندگان نیرو های ظالم و وحشی ناتو و نیروهای بین المللی نقش اهریمنی داشته و در این گناهان کبیره و خون های بناحق ریخته شرکت دارند. و در یک کلمه می توان گفت تمامی قدرت های جهانی و بین المللی که خود را با قضیه افغانستان نزدیک ساخته اند بجای خدمت بمردم افغانستان به این کشور مظلوم خیانت نموده اند. و اوضاع سیاسی کشور را هر روز بدتر از پیش ساخته اند.

چنانچه تاریخ خونبار این کشور را کسی خوانده، و درست تحلیل و قضاوت نماید؛ از ابتداء اشغال این سر زمین توسط نظامیان روسی، و پشتیبانی مجاهدین با کمک های غربی و عربی، و همچنان لشکرکشی های پاکستانی ها و حمایت های طالبان و مداخلات دیگران، تمامی این قدرت ها بقصد حضور در این منطقه، و در نهایت برای ناتوانی مردم افغانستان و ایجاد جنگ های قومی و سازمانی و نیز مذهبی بوده، که تامین کننده منافع آنها می باشد. و در نتیجه تنها کسی که در این میان بازنده اصلی میدان می باشد مردم افغانستان هستند. و دیگران همه باهدف استعماری خویش از طریق جنگ افغانستان در منطقه، حضور یافته و دست پیدا نموده اند.

ما یقین داریم هر گاه در عقب چنین اقداماتی از جانب کشور های همسایه و دوستان دور و نزدیک افغانستان، حسن نیت و اخلاص و کمک بمردم افغانستان هدف آنها می بود؛ امکان نداشت در طول سه دهه حوادث خونین کشور و حضور سیاسی، نظامی، و سرازیر نمودن میلیارد ها وجه نقد در کشور، بالاخره از رنج و آلام مردم اندکی کاسته نمی گردید! حضور آنها نتنها اندک گره ای از گرفتاری و مشکلات مردم را باز نکرده است؛ بلکه تمامی اقدامات سیاسی، نظامی، و کمک های غربی و عربی و جامعه بین المللی، بنفع استعمار گران خارجی و سود جویان شرکت ها و کمپانی ها و اینجو ها و شرکت های امنیتی خارجی، معامله گران جهادی، و حرام خوار های داخلی و مافیای بین المللی تمام گردیده است.

مردم افغانستان در دوره های حکومت ها و رژیم های محاصره شده و بی پشتیبان کشور خود، هر گز بچنین بدبختی همانند؛ امروز قرار نداشته است، اکنون با این همه توجهات جهانی بنام کمک و بمنظور قطع جنگ و خون ریزی، هر روز تعداد کشته های مردم بی گناه و مدنی و بی سرمایه مورد هجوم بیشتر جلادان و اوباشان غربی و جوانان خشن و مست و نشه ئی آنها قرار می گیرد. از جانب دیگر نباید دور از نظر داشت که حضور آنها هم بزبان کشور و مردم افغانستان تمام گردیده و در نا آرامی منطقه و دیگر کشور های همجوار تمام خواهد گردید. از طرف دیگر تمامی کشورهای های که می خواستند به مردم افغانستان کمک نمایند قدم بعدی آنها این بوده است. تا این کشور را موافق و مطابق اندیشه ها و فرهنگ و خواست های مذهبی سیاسی خویش در آورده؛ و مردم افغانستان را برده و جاسوس و فرمان بردار خود بدانند. ولی آنها فراموش کرده اند که چنین کاری با روحيات و اعتقادات مردم افغانستان هر گز سازگار نبوده و در هیچ برهه ای از تاریخ تحقق پیدا نخواهد کرد. تاریخ این کشور حماسه ها قربانی ها و مبارزات سنگینی از خود بیادگار گذاشته و ثبت تاریخ نموده است. و مردم آن ابا برای حفظ ارزشهای دینی و استقلال سیاسی خود بهیچ قیمتی در برابر دشمنان خویش معامله و در وظائف خود کوتاهی نخواهد نمود.